

بررسی ضرورت فعالیت مراکز و نیروهای ارزشی در سکوهای بیگانه



امیرعلی حسن‌لو * ✍️

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

سانسور یا فیلترینگ، چیز تازه‌ای در تاریخ بشر نیست؛ بلکه به تناسب زمان و موضوع و اقتضات و شرایط، پدیده‌ای بوده است که در میان انسان‌ها همواره در قالب‌های مختلف خودنمایی داشته است. البته باید غایت و هدف فیلترینگ را نیز مورد توجه و سنجش قرار داد. آنچه در تاریخ روی داده و در وقایع تاریخی رخ نموده، بیشتر برای سرپوش گذاشتن به حقایق یا برای انحراف و گمراهی و اغفال و پنهان‌کاری بوده است.

البته در مقابل گستره نفوذ دشمن و ترس از انحراف و رسوخ فساد او، یا باید دیوارها و مرزهای عقیدتی را چنان استوار ساخت که در مقابل هجوم دشمن نگسلد و یا برای حفاظت از آن، باید سپرها و محافظه‌هایی ایجاد نمود تا در مقابلش آسیب‌پذیر نباشد. فیلترینگ عمومی، در هر صورت، مطلوب نیست؛ بلکه در فیلترینگ و سانسور، طیف‌بندی مخاطب نیز بهتر است مدنظر باشد. بنابراین، ابتدا باید هدف و علل سانسور و پوشش و دور نمودن اذهان و جامعه از انحرافات را مورد توجه قرار داد و تبیین نمود.

* دکترای تاریخ اسلام و مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه.



دیرینه فیلترینگ و آثار آن

یهود در سانسور و تحریف و انحراف تاریخ، با هدف گمراه‌گری و فساد، از همه اقوام و ملل سابقه بیشتری دارد؛ ضمن اینکه در ترویج فساد نیز پیشینه‌ای بسیار و سابقه‌ای نکبت‌بار داشته است. تحریف نیز نوعی از فیلترینگ و سانسور هست که مانع دسترسی مخاطب به واقعیت می‌شود. قرآن کریم، آن را یکی از اعمال شنیع و رفتار نامیمون یهود برشمرده و تقبیح کرده است. بنا بر شواهد مختلف، یهود با نفوذ در تاریخ‌نگاری اسلامی، با تحریف متون تاریخی و روایی نیز به‌نوعی در سانسور دست داشته و نقش بازی کرده است.

مبادا وحدت امت به گسست منجر شود. نباید دل مردم را نسبت به صحابه مکدر نمود؛ بلکه باید تمام کارهای خلاف آنها را پنهان نمود و از مردم پوشیده داشت.

وقتی خلیفه عمر بن خطاب در زمان خلافت، والیان و کارگزاران را به دیگر بلاد گسیل می‌نمود، آنها را تا بیرون شهر بدرقه می‌کرد و در بیرون شهر به آنان می‌گفت از پیامبر (ص) نقل حدیث نکنید. وی در دوره خلافت و پیش از آن، چند تن از صحابه را به جهت نقل حدیث، تازیانه زد؛ به عنوان نمونه، خطیب بغدادی می‌نویسد: به عمر بن خطاب گزارش دادند که در میان مردم کتاب‌ها و حدیث‌هایی فراهم آمده است. او این امر را ناخوش داشت و گفت: ای مردم! به من گزارش رسیده که در میان شما کتاب‌هایی فراهم آمده است. [بدانید که] استوارترین آنها، محبوب‌ترینشان نزد خداوند است. همگان کتاب‌ها را نزد من آورند تا در باره آنها اظهار نظر کنم. مردم گمان کردند که او می‌خواهد در آنها نگرسته و بر اساس معیار، چندگانگی و تعارض آنها را برطرف کند؛ اما هنگامی که کتاب‌ها را آوردند، همه را در آتش سوزاند. (۱)

عمر در این کار، چنان مراقبت و پافشاری داشت که گاه بزرگانی از صحابه، همچون ابن مسعود، ابودرداء و ابومسعود انصاری را به بهانه فراوانی نقل حدیث از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به

تاریخ‌نگاری و حدیث‌نگاری اهل سنت، تحت تأثیر همین جریان‌ها و بنیان‌های منحرف یهودی، تأثیر بسزایی از یهود در زمینه فیلترینگ داشته است. ذهبی و دیگران با همه تعصبی که به تحفظ در این زمینه دارند، به‌صراحت سخن گفته و نوشته‌اند که نباید برخی از وقایع را گزارش نمود و ذکر کرد؛ بلکه باید فیلتر نمود.

او در نگارش وقایع حول محور بیعت گرفتن از امیرمؤمنان (ع) برای ابوبکر و حمله به خانه حضرت به فرماندهی خلیفه عمر و همراهانش، جهت احضار حضرت برای بیعت و حوادثی که به شهادت حضرت فاطمه (س) انجامیده است، به‌صراحت اظهار نموده که ذکر این وقایع را به صلاح امت نمی‌دانم و نباید این وقایع ذکر شود تا

سانسور یا فیلترینگ، چیز تازه‌ای در تاریخ بشر نیست؛ بلکه به تناسب زمان و موضوع و اقتضانات و شرایط، پدیده‌ای بوده است که در میان انسان‌ها همواره در قالب‌های مختلف خودنمایی داشته است. البته باید غایت و هدف فیلترینگ را نیز مورد توجه و سنجش قرار داد. آنچه در تاریخ روی داده و در وقایع تاریخی رخ نموده، بیشتر برای سرپوش گذاشتن به حقایق یا برای انحراف و گمراهی و اغفال و پنهان‌کاری بوده است

نیز نمونه‌ای دیگر از فیلترینگ آشکار تاریخ‌نگاری اسلامی می‌باشد. از جمله مصادیق سانسور تاریخ‌نگاری اسلامی، حوادث مربوط به همسران رسول‌الله(ص) و پنهان نمودن فضایل آنان جهت ترفیع رتبه برخی دیگر می‌باشد؛ نمونه دیگر، پنهان نمودن فضایل خدیجه کبری است که برای بالا بردن فضیلت و محبوبیت دیگر همسران در پیش رسول اکرم(ص) انجام گرفته است.

خلفا نیز در عصر خود، به‌ویژه امویان و عباسیان، به سانسور عمومی در امور مختلف پرداخته‌اند. معاویه، یکی از

ننگین‌ترین جریان‌های سانسور را برای تحریف و انحراف افکار عمومی در تاریخ اسلام به کار بست. او برای استیلا بر قدرت و سلطنت و موروثی نمودن خلافت و تبدیل خلافت به سلطنت، به خطرناک‌ترین سانسور، از انواع تحریف و جعل، دست بُرد.

معاویه در جهت پنهان نمودن زوایای شخصیتی و فضایل امیرمؤمنان(ع)، اقدام به فیلترینگ گسترده‌ای نمود و این، یکی از وسیع‌ترین سانسورهای تاریخ اسلام بود که رقم خورد و جهت تحقق این هدف و پوشاندن فضایل آن حضرت، قلم‌به‌دستان فراوانی را اجیر نمود. معاویه همچنین، جهت مشروعیت‌بخشی به حکومت و سلطنت خود، به کشتار و قتل و مسموم نمودن افرادی از جمله حسن مجتبی(ع) اقدام نمود. بنابراین، سانسور دارای گونه‌های پیچیده و مصادیق مختلف، از جمله ترورهای بیولوژیک نیز بوده است.

خلفای عباسی، از همین روش به همراه روش حصر، به فیلترینگ شخصیت‌های مذهبی و دینی، از جمله امامان شیعه پرداخته‌اند. آنان راه شناخت ائمه را برای مردم، با فیلترینگ بستند. خلفا جهت حفظ قدرت و حاکمیت خود، دست به



زندان افکند(۲) و برخی دیگر را که در سایر شهرهای اسلامی به نشر حدیث اشتغال داشتند، به مدینه فرا خواند و تا زنده بود، اجازه خروج از مدینه را به آنان نداد. سخن معروف او که گفت: «حسبنا کتاب الله»(۳)، بهترین گواه بر اعتقاد او بر سانسور در خصوص ذکر سیره و سخن رسول‌الله(ص) بود. او در این باره، نظر خود را به کار بست. این، نوعی از سرپوش گذاشتن و سانسور تاریخی از جریان حوادث پس از رسول‌الله(ص) است. نتیجه این کار، بستن راه حقیقت به روی مردم و انحراف بزرگ امت از حق و تفرقه بین امت بود که در واقع، از پیامدهای شوم فیلترینگ در اسلام است.

از این دست سانسورها، در تاریخ‌نگاری اهل سنت به‌وفور قابل مشاهده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: حدیث غدیر و رویدادهای پس از رسول خدا(ص) از سقیفه تا خلافت خلفا، وقایع و رویدادهای عصر خلافت و حتی تاریخ صدر اسلام، برخی از وقایع معاصر رسول اکرم(ص) و آغاز دعوت همچون جریان و روند پذیرش اسلام توسط بعضی از صحابه و خشونت آنان در باره تازه‌مسلمانان و دشمنی و مقابله آنان با پیامبر خدا(ص)، وقایعی چون صلح حدیبیه و رفتار تند و بی‌ادبانه عده‌ای از خلفا در حدیبیه با رسول خدا(ص)، رفتار منافقان با رسول اکرم(ص)، وقایعی چون جنگ احد و فرار صحابه از جنگ و تنها گذاشتن پیامبر(ص) در صحنه نبرد، همکاری پنهانی با دشمن به جهت ترس در جنگ خندق و حوادث برگشت از تبوک که عده‌ای برای ترور رسول خدا(ص) کمین کردند، همگی از مصادیق سانسور در تاریخ‌نگاری اسلامی است که تاریخ‌نگاران اهل سنت در این وقایع، یا به سانسور و پنهان کاری روی آوردند و یا به تقلید و تحت تأثیر از رفتار یهود، به تحریف واقع و گزارش‌های نادرست و جعلی پرداختند. همه اینها، از جمله مصادیق فیلترینگ در تاریخ‌نگاری اسلام است.

پنهان نمودن فضایل امیرمؤمنان(ع) و دیگر اهل بیت(ع)، به‌ویژه حضرت زهرا(س)

انواع سانسور و حذف و تحریف نموده‌اند. خلفای عباسی، با فیلترینگ، مانع از دیدار مردم با ائمه شیعه بودند. آنان نه تنها مردم را از زیارت چهره نورانی امامان محروم داشتند، بلکه مانع شناخت آنها توسط مردم و استفاده از علوم الهی ایشان شدند.

رحلت و شهادت نیز در منابع تاریخ‌نگاری، از جمله فیلترینگ‌های نمایان است. در این راستا، دست به تحریف تاریخ نیز نوع پیچیده‌ای از فیلترینگ مرموز است. این رویه، در تاریخ‌نگاری جریانی ساخته که از آن می‌توان به سانسور و فیلترینگ پسینی تاریخ و تاریخ‌نگاری یاد کرد.

فیلترینگ در ایران و نگاه بیگانگان

سانسور اینترنت در ایران که تحت نام فیلترینگ اینترنت در ایران نیز اکنون به‌عنوان یک مشکل طرفینی (مردم و حاکمیت) مطرح می‌شود، مقوله نوظهوری است که مشکلاتی برای حاکمیت و مردم دارد. حاکمیت برای مقابله با نظام سلطه و پیشگیری از رواج فحشا و منکرات و حفظ حریم و امنیت خانواده‌ها و مقابله با هجوم فرهنگی نظام سلطه و مصالح‌والای دیگر، اقدام به فیلترینگ پلتفرم‌های بیگانه نموده است.

قشری از مردم با وجود وابستگی‌های سبک زندگی مدرن، ممکن است با مشکلات عدیده‌ای در فضای فیلترینگ مواجه باشند. فیلترینگ، مجموعه‌ای از اقدامات برای اعمال سانسور، محدودیت و نظارت سازمان‌یافته و هدف‌دار بر دسترسی به محتوای وبگاه‌ها و فضای مجازی استفاده از خدمات اینترنتی برای کاربران است که توسط تمام حاکمیت‌ها و در نظام اسلامی، با هدف صیانت از آسیب‌های فرهنگی گسترده

با توجه به تهاجم گسترده و دشمنی‌های رسانه‌ای وسیع علیه تمام ابعاد و زوایای جامعه از سبک زندگی تا ارزش‌ها و باورها انجام می‌گیرد.

عمر استفاده از اینترنت و نفوذ ابزارهای مجازی با پشتیبانی خارجی و سرورهای بیگانه در ایران بیش از سه دهه بوده است. در آغاز قرن ۲۱ میلادی، استفاده اینترنت در ایران با استقبال و موج وسیعی مواجه گردید؛ به‌نحوی که در ۲۰۱۸ میلادی، در ایران آمار گسترش و استفاده از اینترنت، بین ۶۴ الی ۷۰ درصد برای جمعیتی بیش از ۸۰ میلیون نفر را شامل شده است.

سانسور یا فیلترینگ در ایران، بر اساس مصالح والا و با تقنین قوانین مصوب در شورای عالی فضای مجازی و مجلس شورای اسلامی اعمال می‌گردد؛ اما مشکل اینجاست که روند فیلترینگ و محدودسازی و مسدود نمودن اینترنت و فضای مجازی، دقیق و به‌درستی مشخص نیست.

اظهارات و گزارش‌های رسانه‌های خارجی، نشان از آن دارد که برخی از مشاوران و مسئولان قوه قضائیه ایران و مسئولان فضای مجازی، تعداد وبگاه‌های فیلترشده تا آبان ۱۳۸۷ را پنج میلیون برشمرده‌اند. این گستره عظیم، قبل از همه، نشانه وسعت دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران است که با تمام قوا برای صدمه زدن به استقلال وارد میدان شده‌اند.

در باره فیلترینگ در ایران، مخالفان سیاست‌های کنترلی دولتی این‌گونه اظهار نموده‌اند که فیلترینگ هیچ‌گاه در ایران متوقف نشده و در تمام دولت‌ها با وسعت بالایی اجرا شده است. آنها ایران را در شدت فیلترینگ، در ردیف چین، سوریه، بحرین و ویتنام قرار داده و جزء پنج کشور فیلترینگ بزرگ دنیا و از دشمنان بزرگ اینترنت نام داده و نوشته‌اند: بر پایه گزارش ۲۰۲۱ سازمان غیردولتی «خانه آزادی» (۴)، ایران پس از دو کشور چین و میانمار، بیشترین محدودیت‌ها را در زمینه اینترنت اعمال می‌کند.

سانسور اینترنت در ایران که تحت نام فیلترینگ اینترنت در ایران نیز اکنون به‌عنوان یک مشکل طرفینی (مردم و حاکمیت) مطرح می‌شود، مقوله نوظهوری است که مشکلاتی برای حاکمیت و مردم دارد. حاکمیت برای مقابله با نظام سلطه و پیشگیری از رواج فحشا و منکرات و حفظ حریم و امنیت خانواده‌ها و مقابله با هجوم فرهنگی نظام سلطه و مصالح‌والای دیگر، اقدام به فیلترینگ پلتفرم‌های بیگانه نموده است

نموده‌اند تا برای ایران در سازمان‌های بین‌المللی، موانع حقوقی دست پا کنند؛ چنان‌که این پرونده را با استناد به مرگ مهسا، دختر کردستانی، در باره حقوق زن در ایران مطرح نموده و ایران را به‌عنوان مخالف آزادی و حقوق زن قلمداد نمودند. برای این منظور، بر اساس گزارشی از سال ۲۰۱۴ میلادی، وضعیت آزادی اینترنت در ایران را به‌عنوان بدترین کشور در جهان ارزیابی و معرفی نمودند. طبق گزارش این نهاد (خانه آزادی) در سال ۲۰۱۷م، حملات



فنی برای دست‌کاری شبکه‌ها، پس از دستگیری افراد به دلایل سیاسی - اجتماعی، دومین روش عمده برای کنترل اینترنت ارزیابی شده است که از سوی چند کشور، از جمله ایران و سوریه، به کار گرفته شده‌اند و ایران را به‌عنوان اولین کشور که ایجاد اختلال در اینترنت نموده، معرفی نموده‌اند. این گزارش‌ها ضمن اینکه علیه ایران در سازمان‌های حقوقی جهانی بوده است، حاکی از موفقیت مقتدرانه ایران و پیشرفت‌های چشمگیر و خیره‌کننده ایران در فضای سایبری نیز می‌باشد و از طرفی، نشانگر شکست بزرگ برای دشمنان ایران است.

در گزارش‌های این نهاد و نهادهای دیگر، در باره فیلترینگ در ایران آمده است: در تاریخ آبان ۱۳۹۸ با دستور شورای عالی امنیت ملی حکومت ایران، به مدت بیش از یک هفته، اینترنت بین‌المللی به منظور مهار اعتراض‌های آبان ۱۳۹۸ ایران، قطع شد و تنها سایت‌های ایرانی که از سرور داخل کشور استفاده می‌کردند، قابل دسترس بود. در این بین، کسب و کارهای زیاد ایرانی که سایت خود را خارج از کشور راه‌اندازی کرده بودند یا از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها نظیر اینستاگرام، واتساپ، تلگرام و... به ارائه خدمات و محصولات مشغول بودند، ضرر و زیان اقتصادی را متحمل شدند. آنها برای

در گزارش‌های مخالفان و دشمنان آمده است: در جریان اعتراض‌ها و پس از تظاهرات آبان ۱۳۹۸ و اعتراض‌های سراسری ۱۴۰۱ ایران، حکومت به نحو بی‌سابقه‌ای چندین روز به قطع کامل اینترنت اقدام نمود. البته مسئولان فضای مجازی، این قطع و فیلترینگ را نفی نموده و برای توجیه آن، بر اساس قوانین اقدام نموده و در مورد آن، توضیحات و استدلال‌های قوی و قانع‌کننده‌ای ارائه نموده‌اند.

آنها برای مقابله با فیلترینگ در ایران و پیش‌برد اهداف خود و دامن زدن به آشوب‌ها، به قوانین بین‌المللی و حقوق بشری تمسک نموده و در مارس ۲۰۱۳م، گزارشگران بدون مرز در روز جهانی مبارزه با سانسور اینترنتی، گزارشی منتشر کرده‌اند که در آن، ایران، سوریه، بحرین و... را دشمن درجه اول اینترنت نامیده‌اند.

آنها از طریق سازمان‌های جهانی تحت نفوذ آمریکا، مانند سازمان گزارشگران بدون مرز، مرکز ملی فضای مجازی ایران را در رأس فهرست نهادهای سرکوبگر فضای مجازی و سایبری در جهان قرار داده و فیلترینگ را «خطری آشکار برای آزادی عقیده و بیان تصریح‌شده در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر» دانسته‌اند. از این روند و حجم و نوع مقابله جهانی و بین‌المللی با فیلترینگ در ایران و برخی مناطق اسلامی، می‌توان به‌وضوح دریافت که موفقیت فیلترینگ در مقابله با دشمنی‌ها، بسیار مؤثر و کارساز بوده و برای دشمنان و طراحان آشوب و ناامنی، شکست بزرگ و مفتضحانه به شمار رفته است؛ به‌خصوص برای جریان‌های منافق و معاند نظام سیاسی ایران و دشمنان دیرین متصل به صهیونیست‌ها و بهائیان و دشمنان منطقه‌ای، این روند، نامطلوب و نوعی شکست مفتضحانه بوده است.

همچنین، آنان برای مقابله با فیلترینگ در ایران جهت پیش‌برد اهداف خود، به گزارش‌های خانه آزادی که کشورها را بر اساس موانع دسترسی، محدودیت‌ها در زمینه محتوا و موارد نقض حقوق کاربران، دسته‌بندی می‌کند، استناد نموده و به قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات که یکی از حقوق اساسی انسان است نیز تمسک



فیلترینگ هیچ‌گاه در ایران متوقف نشده و در تمام دولت‌ها با وسعت بالایی اجرا شده است. آنها ایران را در شدت فیلترینگ، در ردیف چین، سوریه، بحرین و ویتنام قرار داده و جزء پنج کشور فیلترینگ بزرگ دنیا و از دشمنان بزرگ اینترنت نام داده و نوشته‌اند: بر پایه گزارش ۲۰۲۱ سازمان غیردولتی «خانه آزادی» (۴)، ایران پس از دو کشور چین و میانمار، بیشترین محدودیت‌ها را در زمینه اینترنت اعمال می‌کند



امینی توسط گشت ارشاد و قانون حجاب اجباری، جمهوری اسلامی با محدود کردن پهنای باند و همچنین فیلترینگ اپلیکیشن‌های اجتماعی مانند واتساپ و اینستاگرام، اقدام به ایجاد خفقان سیاسی کرد تا جلوی انتشار اخبار بیشتر اعتراض‌های مردمی را بگیرد.

در صفحه نخست گوگل و یاهو، تبلیغات ضد جمهوری اسلامی و سران نظام ایران، اولین پیام‌هایی بود که خودنمایی می‌نمود و هنوز نیز این پیام‌ها در صدر صفحات این دو سرویس موجود می‌باشد.

به گزارش نت‌باکس، سازمان غیردولتی ناظر بر اینترنت جهانی، دولت ایران ابتدا اینستاگرام و سپس واتساپ را به دستور شورای عالی امنیت ملی برای همه ایرانیان و فعالان مجازی ایرانی فیلتر و سانسور نمود. نت‌باکس در ادامه نوشت: علاوه بر اینها، اپلیکیشن‌های لینک‌دین، گوگل پلی و اپ استور، همچنین سایت استارلینک هم در ایران فیلتر شده‌اند.

این خبررسانی در باره فیلترینگ، خود در تشدید آشوب و اغتشاش مؤثر بود؛ چنان‌که همه رسانه‌های وابسته به جریان‌های خاص، به آن دامن زده و در تحریک ذهنیت مردم علیه جمهوری اسلامی و نظام حاکم، نقش ایفا کردند و به بزرگ‌نمایی از آشوب‌ها می‌پرداختند که از نظر روحی، پیامدهایی منفی را به دنبال داشت.

تحریک افکار عمومی، از بُعد اقتصادی و معیشتی، به این‌گونه گزارش‌ها پرداختند تا جامعه جهانی را با خود همراه نموده و برای ایران مشکلات بین‌المللی درست نمایند. کشورهایی چون: آلمان، آمریکا، فرانسه، انگلستان و چندین کشور دیگر و سازمان یونسکو، به صورت همسو و همگرایانه، به قطع اینترنت ایران اعتراض کردند و همچنین، وزارت خزانه‌داری آمریکا، وزیر ارتباطات ایران، آذری جهرمی را تحریم کرد؛ هرچند او در واکنش به این تحریم، نقش خود در قطع اینترنت را انکار کرد؛ چون کنترل و مدیریت اینترنت، بر اساس مصالح عالی، یک تصمیم قانونی ملی بوده است؛ نه تصمیم فردی یا مرتبط با یک نهاد خاص.

رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جریان آشوب‌های ۱۳۹۸ با تحریک چند کشور اروپایی، این‌گونه در مقابل فیلترینگ پلتفرم‌ها، بزرگ‌نمایی نمودند تا از این جهت‌گیری علیه ایران، بهره‌های سیاسی بگیرند و مقاصد خود را پیش ببرند. در دی ۱۳۹۸ و هم‌زمان با مراسم چهلم جان‌باختگان اعتراضات آبان، مقامات جمهوری اسلامی دسترسی به موبایل اینترنتی به سایت‌های خارجی را در استان‌های مختلف بستند. قطعی اینترنت در ایران، احتمال اجرایی شدن عملیات «اینترنت ملی» را نیز افزایش داد؛ به‌طوری‌که چندی پیش، کانون نویسندگان ایران در بیانیه‌ای گفته بود که حکومت با اجرای عملیات «اینترنت ملی»، می‌خواهد رسانه حاکم، تنها صدایی شود که حق سخن و حکم راندن بر مردم را دارد. بزرگ‌نمایی غرب علیه ایران در این فضاها، همچنان در آشوب‌های اخیر از گذشته شدیدتر بود. تمام حوادث جزئی، زیر سیطره آنها با اطلاع‌رسانی نادرست، به آشوب و اغتشاش مبدل می‌شود؛ چنان‌که از حوادث ذیل، همین بهره‌ها را بردند:

با بالا گرفتن اعتراض کشاورزان اصفهان، اینترنت در برخی مناطق اصفهان، قطع یا دچار اختلال شد. این گزارش و بزرگ‌نمایی در یک حادثه محلی، ماه‌ها خوراک این رسانه‌ها بود.

در آغاز اغتشاش‌های سال ۱۴۰۱ علیه نظام، این‌گونه گزارش نمودند: با اوج‌گیری اعتراض‌های مردم به وضع موجود در جامعه و مرگ مشکوک مهسا

بوده و برای ایرانیان و جهانیان عملکرد خود را تشریح می‌کنند.

۲. این بستر، خود معلولی است تا اغلب مردم ایران، به موضوع فیلترینگ نگاه منفی داشته باشند و آن را بیشتر سیاسی و حاکمیتی تلقی نمایند که برای حفظ پنهان‌کاری‌های مسئولان انجام می‌شود.

۳. قضیه «انسان به آنچه منع می‌شود، حریص است»، یک انگیزش روانی ایجاد می‌نماید. همین محدودیت، زمینه‌ای شده تا گرایش شدیدی به فضاهای غیرخودی و عدم اعتماد و استقبال از رسانه‌های داخلی شکل گیرد.

۴. یکی از بسترهای منفی دیگر، در این باره بر اساس تبلیغ و فضا سازی برآمده از دشمنی بیگانه است. دشمنان با سیاه‌نمایی، رسانه‌های داخلی را دروغگو نشان می‌دهند و خود را دلسوز و راستگو نشان می‌دهند. متأسفانه، این سوء تبلیغ، در میان برخی از مردم، به‌ویژه در افکار جوانان رسوخ کرده و برای آنان باور گردیده است که رسانه‌های داخلی، جز دروغ و تحریف حقایق چیزی نمی‌گویند!

بنابراین، رسانه‌های داخلی، باید راهکاری قوی برای شکستن این فضای مسموم ایجاد نمایند و



نگاه کوتاه به آسیب‌ها و بسترهای گرایش به پلتفرم‌های بیگانه

بی‌گمان، گرایش به رسانه‌های بیگانه، اعم از رسانه‌های شنیداری و تصویری و پلتفرم‌های سرویس‌گیرنده از سرورهای بیگانه، زمینه‌های مختلف دارد. قبل از هر چیز، باید این زمینه‌ها را کاست. شناخت این زمینه‌ها در داخل، نیازمند مطالعات اجتماعی عمیق و روان‌شناسانه نیز هست. ورود تخصصی به این فضای تعریف پروسه‌های جامع، یک نیاز ضروری است که محتاج مطالعات و شناخت‌های فنی نیز هست.

در ذیل، به برخی بسترها و علل گرایش کاربران ما به پلتفرم‌های خارجی، اشاره می‌شود:

۱. به ادعای رسانه‌های بیگانه و نگاه‌های بیرونی، رفتار چندگانه با فضای مجازی و اعمال فیلترینگ برای بخشی از جامعه و عدم اعمال آن برای بخش دیگر، یکی از علل ناراضی‌مندی مردمی بوده است. برای طیفی از مسئولان و وزیران کشور و...، در شبکه‌های اجتماعی فیلترینگ اعمال نشده و آنها برخوردار از حساب کاربری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

گرایش به رسانه‌های بیگانه، اعم از رسانه‌های شنیداری و تصویری و پلتفرم‌های سرویس‌گیرنده از سرورهای بیگانه، زمینه‌های مختلف دارد. قبل از هر چیز، باید این زمینه‌ها را کاست. شناخت این زمینه‌ها در داخل، نیازمند مطالعات اجتماعی عمیق و روان‌شناسانه نیز هست. ورود تخصصی به این فضای تعریف پروسه‌های جامع، یک نیاز ضروری است که محتاج مطالعات و شناخت‌های فنی نیز هست

قابل توجهی از آن، با شناسایی و دستگیری عوامل کلیدی و مهره‌های آن، فروکش کرد.

بنابراین، هیچ تردیدی وجود ندارد که این فضاها در ناامنی عمومی و تحریک جوانان و دانشجویان، کاملاً مؤثر بوده است. بر اساس اعتراف گروهی از آشوبگران و دستگیرشدگان قائله شیراز و تهران و کردستان و...، دقیقاً روشن شده که همه این گروه‌های آشوبگر خارجی و داخلی و محرک آشوبگران، از این فضاها و تحت تأثیر فضای مجازی بوده‌اند و از آن استفاده نموده‌اند.

پیامدهای فیلترینگ

بی‌گمان، فیلترینگ و سانسور از نظر امنیتی و اجتماعی و ابعاد دیگر، آثار مثبتی در پی دارد و نوعی سنگر و سپر دفاعی برای کشور به شمار آمده و برای مردم و دولت، فواید اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. می‌توان گفت، این ضابطه ضمن بالا نشان دادن قدرت و توانمندی سایبری ملی برای مقابله با دشمنان، نوعی شکست آنان به حساب می‌آید که در فتنه‌ها و آشوب‌های گوناگونی دخیل بوده‌اند.

البته باید پذیرفت این هیجانات اجتماعی که به نافرمانی مدنی منجر می‌شود، علل درونی نیز دارد. این اعتراض‌ها گاهی برخاسته از کم‌کاری‌ها و نابرابری‌ها و تبعیض‌های داخلی و غسل‌های قومی و نژادی نیز می‌تواند باشد که نیازمند آسیب‌شناسی و جبران است.

بدون تردید، فیلترینگ پلتفرم‌های بیگانه، به تنهایی نمی‌تواند تأمین‌کننده امنیت و تضمین‌گر صیانت فرهنگی و ملی به شمار آید. رها شدن این فضا، آسیب‌ها و پیامدهایی افزون‌تر از منافع آن به بار خواهد آورد. نمونه‌هایی پیش‌تر اشاره شد و مواردی نیز فهرست‌وار اشاره می‌گردد:

۱. چنان‌که رها کردن فضای مجازی و سپردن آن به دست دیگران و خروج نیروهای ارزشی از آن نیز کار معقول و منطقی نیست؛ چراکه اکنون



زمینه اعتماد به رسانه‌های دخیل را فراهم و مهیا نمایند و این، کاری سخت نیست؛ بلکه نیازمند به مطالعه و تحقیق‌های میدانی و آماری است و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی مانند سازمان جوانان و...، می‌توانند به بخش‌هایی از آن بپردازند.

۵. از دیگر علل گرایش به پلتفرم‌های بیگانه، بی‌اعتمادی جوانان به تصمیمات و سیاست‌های داخلی و مسئولان می‌باشد. دامن زدن به شایعه‌ها و دروغ‌ها و راست‌نمایی آنها، در این فضاها تأثیر مستقیم داشته است.

۶. از جمله دلایل گرایش به رسانه‌های خارجی که سرور آنها از آمریکا و... حمایت می‌شود، وجود برخی دوگانگی‌هاست که باید مورد بازبینی واقع شود؛ حتی عموم علاقه‌مندان به فضای مجازی با فیلترینگ، به شبکه‌های اجتماعی نظیر: فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب و... روی آورده‌اند. به همین جهت، مردم برای ارتباط، از این پلتفرم‌ها استفاده می‌نمایند و گرایش شدیدی در ایران به این رسانه‌ها دیده می‌شود.

۷. این گرایش‌ها می‌تواند به شکل وسیع برای کشور و منافع ملی آسیب‌زا باشد و آنان را در معرض فضای مسموم علیه نظام و حاکمیت قرار دهد. در اغتشاش‌های اخیر با وجود فیلترینگ قوی و همه‌جانبه، آمار مراجعه به این فضاها، حتی تلگرام که به نسبت قبل از آن گرایش به آن کاهش یافته بود، مجدداً بالا رفته است.

از نکاتی جالب که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی با پلتفرم بیگانه توئیتر، فیس‌بوک و اینستاگرام و تلگرام و واتس‌آپ در فروکش نمودن موجی وسیعی از آشوب‌ها و ناامنی بی‌تأثیر نبود؛ اما بخش عظیم و



در عرصه فرهنگی به نظر می‌رسد که بایسته است به جبهه و سنگرهای فراملیتی اندیشه نماییم و تدبیر لازم را برای این منظور بیندیشیم؛ به بیان دیگر، عمل تهاجمی، بهترین راه پیروزی در عرصه رسانه‌های خارجی است. رسانه‌ها و پلتفرم‌های خارجی، راهی است که غرب برای فتوحات فرهنگی اسلام گشوده است که نباید آنها را بست؛ بلکه باید در این فضا وارد شد و آگاهانه عمل کرد تا به پیروزی‌های چشمگیری دست یابیم



ایران، مهم‌ترین جریانی بود که در این اغتشاش‌ها دست داشت و اکنون نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. آسان‌ترین راه نفوذ در جمع این گروه، همین عرصه پلتفرم‌های بیگانه است که می‌توان به این وسیله، از توطئه آنها آگاه شد و از خود، مقابله به‌مثل و واکنش سریع نشان داد.

۸. ورزشی‌گری نیروها در میدان مبارزه و تأثیرگذاری بر نیروهای مقابل در عرصه حضور، نتایجی بیشتری دارد که در صورت وجود فیلترینگ، حاصل نخواهد شد.

سنجش کارایی فیلترینگ؛ رهیافت‌های نوین

از آنچه در تاریخ گذشته و معاصر در باره سانسور روی داده، نشانه آن است که جریان فیلترینگ در انواع قالب‌ها و شکل‌ها رخ نموده است. اکنون جای این پرسش مطرح است که آیا صرف فیلتر نمودن و رها کردن فضای مجازی، کاری مثبت و تصمیمی درست و شایسته است؟ آیا صرف فیلترینگ به‌تنهایی کفایت می‌کند و صیانت‌بخش جامعه از انحراف خواهد بود یا نه؟ آیا فیلترینگ همه فضاها می‌تواند برای همیشه به عنوان دستور حفاظتی و حراستی لازم قابل اجرا باشد و ما را از اقدامات دیگر بی‌نیاز سازد؟ آیا رها کردن این فضا با فیلترینگ، عقب‌نشینی از رزم و جهاد

این فضاها از جمله فضای: تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و... با فیلترینگ، نیروهای ارزشی را بیرون نموده و میدان یکه‌تازی شبهات مختلف را فراهم کرده؛ عرصه‌ای که بدون نقد و ارائه نظر نقادانه و پاسخ به این شبهات، رها شده و تأثیر منفی وسیع‌تری را بر جای خواهد گذاشت.

۲. یکی دیگر از عوارض و پیامدهای فیلترینگ و رها شدن این عرصه از سوی نیروهای ارزشی‌ها، این است که افراد دغدغه‌مند مذهبی که در فضای مجازی و در نقد و پاسخ به شبهات فعال‌اند، فرمان کنترل از دست آنها خارج شده و فضا کاملاً به دست افراد منفی و فعال علیه ارزش‌ها و دین افتاد و جولانگاه آنها گردید؛ نمونه‌اش تلگرام بود و اکنون نیز در اینستاگرام هجمه‌ای عظیم علیه شخصیت‌های نظام و نهادها و حوزه علمیه و مراجع در این عرصه گسترش یافته و در اوج خودنمایی است.

۳. رها نمودن این عرصه، به‌منزله رها کردن سنگر مقاومت است که پیشروی دشمن را در پی خواهد داشت.

۴. از دست رفتن شناخت و معرفت نسبت به جریان‌های مهاجم و معاند و نداشتن قدرت واکنش قوی، سریع و فوری در مقابله با شبهات و اقدامات بعدی آنان.

۵. از دست رفتن فرصت نقد فوری واکنش زود هنگام که مانع رشد گرایش به آنان خواهد بود؛ به‌نحوی که اگر شبهه‌ای توسط شبکه‌های معاند چون شبکه وهابیت مطرح گردد و در همان فضا پاسخ نگیرد، سبب گمراهی مخاطبان بیشتری خواهد شد.

۶. حضور داشتن در عرصه و ترک نمودن مطلق پلتفرم‌های بیگانه، ضمن اینکه نوعی واکنش سریع در مقابل آنهاست، سبب آموزش و جذب نیروی‌های خودی جهت مقابله است.

۷. به نظر می‌رسد که جریان منافقان مستقر در خارج ایران و یا جاسوسان داخل



تبیین در مقابل جولان رسانه‌های معاند نیست؟

پلتفرم‌های بیگانه را می‌توان به دو گونه نگریست و با آنها مواجه شد:

نگاه اول، همان نگاه مساوی با فیلترینگ یا سانسور و بستن مطلق است؛ اما آیا این محدودسازی، تأمین‌کننده اهداف و اغراض نظام و مجموعه فرهنگی کشور است؟ بدیهی است که کناررفتن گروه‌های ارزشی و بستن این محیط، همانند کور کردن چشم

باید فکری اساسی داشت. باید مرزهای عقیده و باور را بالاتر برد و دیوارهای امنیتی را مستحکم ساخت و خودمراقبتی‌ها را افزون‌تر نمود. علاوه بر آن، میادین مبارزه را توسعه داد و از حالت دفاعی صرف خارج شد و به دشمن هجوم آورد.

راهبرد شهید حاج قاسم سلیمانی

در این باره روش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در عرصه جهاد سخت، بسیار هوشمندانه و آموزنده بود که ارتش فراملی و جهانی اسلام را تشکیل داد و از ملیت‌های مختلف در این ارتش عضو نمود. باید با این دید و بینش وارد عمل شد و ایده‌ها را جمع نمود و راهبردهایی نوین تعریف کرد.

راز و رمز پیروزی بزرگ این مرد نخبه در مدیریت، همین ابداع بزرگ او بود و به همین جهت، دشمن برای ترور او بارها برنامه ریخت و توطئه نمود و عاقبت او را شهید کرد. این شهادت، برای سردار سلیمانی اوج و قله تعالی، و برای ما خسارتی بزرگ بود؛ چنان‌که شهادت امیرکبیر برای خودش اوج سعادت بود؛ اما برای استبداد و استعمار گامی در پیش به شمار می‌رفت. شهادت سردار سلیمانی نیز این‌گونه برای استکبار رهایی از تدبیرگری این مدبر باهوش و نوآور تلقی می‌شد

بیناست؛ با کور نمودن و کندن چشم آدمی، هیچ چیزی تغییری نخواهد کرد؛ بلکه ممکن است با این کار، شخص کور به اسارت دشمن درآید. فیلترینگ را می‌توان به منزله بستن در به روی حقایق دانست. پس، صرف بستن چشم به حقایق وقایع و پلک روی پلک نهادن، هرگز حقیقت را دگرگون نخواهد کرد. فیلترینگ، رها نمودن این فضا بدون چشم‌های باز و ناقد، و به‌منزله ترک جبهه تبیین و رها نمودن عرصه نبرد و سپردن ثغور و مرزهای عقیدتی به دست دشمنان است.

نگاه دوم، حضور فعال در میدان فضای مجازی است. با توجه به آنچه از روی دادها و پیشرفت‌ها در عرصه فناوری رسانه‌ها و ابداعات سریع در حال عرضه به جهان و در اختیار جوامع هست، ضرورت فعالیت مراکز و نیروهای ارزشی در پلتفرم‌های بیگانه روشن است. سپردن این عرصه به دست دشمن، به معنای میدان دادن به تاخت‌وتاز دشمن و عقب‌نشینی آشکار است. بر این اساس، عدم حضور نیروهای ارزشی در صحنه، باعث از دست دادن فرصت‌ها و سنگرهای مبارزه است. بنابراین، باید راهکارهای حضور را بازساخت و به بررسی سلاح‌های دفاعی مجهز و شیوه‌های دفاع پرداخت و در این باره با تدبیر و افکار نوآورانه، به اجرای برنامه‌های نوین پرداخت و اقدام کرد.

بلکه باید گفت که در این راستا، لازم است مهاجمانه و فعالانه حضور یابیم؛ نه منفعلانه. انفعال در میدان رزم یا بستن و فیلترینگ محیط، به‌منزله ترک سنگر و یک نوع حالت انفعالی و انتظار به فروریختن آوار می‌ماند؛ تا ایجاد محیط امن و سرشار از آرامش.

بدین جهت که ابداعات بشری در این زمینه نامحدود و از اختیار فیلترینگ ما خارج است و هر چند سال، ابداعات و اختراعات رسانه‌ای با سرعت خیره‌کننده در حال فزونی است. سال‌های پیشین، ویدئو و ماهواره ممنوعیت قانونی داشت که به‌سرعت جای این بسترها، با پیشرفت‌های علمی بشر تغییر یافت. بی‌گمان، از این هم فراتر خواهد رفت. بنابراین، برای صیانت اعتقادات و باورهای مردم،



فیلترینگ اینترنت در ایران نیز اکنون به عنوان یک مشکل طرفینی (مردم و حاکمیت) مطرح می‌شود و مقوله نوظهوری است که مشکلاتی برای حاکمیت و مردم دارد. حاکمیت برای مقابله با نظام سلطه و پیشگیری از رواج فحشا و منکرات و حفظ حریم و امنیت خانواده‌ها و مقابله با هجوم فرهنگی نظام سلطه و مصالح والای دیگر، اقدام به فیلترینگ پلتفرم‌های بیگانه نموده است



و برای ما بحران بزرگ و فقدان مدیری شایسته بود.

از این رو، در عرصه فرهنگی به نظر می‌رسد که بایسته است به جبهه و سنگرهای فراملیتی اندیشه نماییم و تدبیر لازم را برای این منظور بیندیشیم؛ به بیان دیگر، عمل تهاجمی، بهترین راه پیروزی در عرصه رسانه‌های خارجی است. رسانه‌ها و پلتفرم‌های خارجی، راهی است که غرب برای فتوحات فرهنگی اسلام گشوده است که نباید آنها را بست؛ بلکه باید در این فضا وارد شد و آگاهانه عمل کرد تا به پیروزی‌های چشمگیری دست یابیم.

دیگر راهبردها

۱. تربیت نیروهای متخصص در فضای مجازی برای عرصه بین‌الملل، نظامی (افراد آشنا به امور نظامی و پرداختن به نظریه‌های نظامی و تاکتیک‌ها در فضای مجازی و تهدید و ارعاب دشمن با تئوری‌های علمی نظامی و تحلیل‌ها از منابع دینی)، سیاسی و فرهنگی (در این زمینه‌ها هم باید نیروهای فکور و خلاق را شناسایی و فرماندهی نمود و تعیین وظیفه و به خط نمود)؛

۲. تربیت نیروهای متخصص و زبان‌شناس؛

۳. تربیت متخصصان آشنا به تاریخ و فرهنگ ملت‌ها؛

۴. آموزش دادن نیروها، در عرصه فضای مجازی؛

۵. آشنا بودن افراد متخصص به هنر و هنرمند بودن آنان و استفاده از زبان هنر و ادبیات در فضای مجازی و پیام‌رسانی؛

۶. لزوم داشتن شناخت عمیق و همه‌جانبه دینی و کارشناس دین بودن در تمام فعالان؛

۷. وجود و لزوم حرکتی جهادی و ایجاد روحیه جهادی و حمایت از این افراد؛

۸. جذب نیرو از ملل مختلف برای این منظور و آموزش و پشتیبانی از آنها؛

۹. باید به این منطبق استوار پایبند بود که ظرفیت منطق اهل‌بیت(ع)، برای جذب حداکثری مردم، بسیار قوی و مقتدر است؛ چنان‌که خود فرموده‌اند: محاسن کلام ما اگر به مردم برسد، از ما پیروی خواهد نمود، بنابراین، باید با این منطق به پیشرفت در عرصه پلتفرم‌های بیگانه و از ابزاری که خودشان آماده نموده‌اند، علیه خودشان استفاده نمود. عقب‌نشینی و احساس شکست و ترس و حالت انفعال به خود گرفتن، نوعی خمودی و خلاف آیات قرآن است که با خطاب‌های قرآنی مانند: «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه، آیه ۲۰)، «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، آیه ۶۹) و... مغایرت دارد؛

۱۰. یکی از روش‌های مبارزه موفق در عرصه پلتفرم‌های بیگانه، مانند رسانه اینستاگرام، حضور گروهی ذیل پیچ‌های منحرف و ایجاد کامنت‌ها و نظرات نقادانه در مقابل انواع مفساد و تبلیغ‌های علیه نظام و شخصیت‌های نظام است. این شیوه مؤثر امر به معروف، قطعاً یک راهکار تأثیرگذار است؛

۱۱. ایجاد صفحات ارزشی پُرشمار توسط کاربران آموزش‌دیده، به‌ویژه تبلیغ ارزش‌ها به زبان‌های بین‌المللی، همچون: انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و چینی؛

۱۲. معرفی کتاب‌های ترجمه‌شده به زبان‌های مختلف برای مخاطبان و تبادل اطلاعات با مخاطبان در قالب‌های گوناگون، تابلونوشته‌ها با مضامین روایات اهل‌بیت(ع)، تولید کلیپ‌های کوتاه و گویا و پیام‌های زیبا در باره سبک زندگی؛

۱۳. گام اول همه این فعالیت‌ها که حوزه و



پی‌نوشت‌ها:

۱. احمد بن علی خطیب بغدادی، تقیید العلم، ص ۵۲.
۲. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۷۵.
۳. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۵۵، کتاب المرضی باب قول المرضی، قوموا عنی؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۵۹، آخر کتاب الوصیة.
۴. خانه آزادی، یک ارگان مستقر در آمریکا با بودجه دولت فدرال آمریکا و یک سازمان مردم‌نهاد - به اختصار «سمن» یا NGO - است که در زمینه پژوهش و پشتیبانی از دموکراسی، آزادی‌های سیاسی و حقوق بشر فعالیت می‌کند.

مراکز فرهنگی حوزوی و فرهنگی دیگر می‌توانند و باید انجام دهند، شناسایی فعالان عرصه مجازی است. فعالان حوزوی و غیرحوزوی دانشجویی خارج ایران و داخل ایران، باید شناسایی شوند و سپس، بر اساس تخصص‌هایشان، دسته‌بندی و گروه‌بندی شوند. بعد، برای هر گروه، وظیفه و مأموریت مشخص گردد و آنگاه حمایت‌های لازم از آنها انجام شود؛ از جمله: فراهم نمودن بسترها و زمینه‌ها و دادن اینترنت رایگان و برداشتن فیلتر از این طیف‌ها و گروه‌ها؛

۱۴. هم‌افزایی بین مراکز بین‌المللی و نهادهای فرهنگی موجود و پرهیز از موازی‌کاری نهادهایی چون: فرهنگ و ارتباطات، مرکز تقریب، مرکز جهانی اهل‌بیت(ع)، امور بین‌الملل حوزه و جامعه المصطفی‌العالمیة.

نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، حضور در پلتفرم‌های بیگانه امری ضروری و پُراهمیت است و خالی کردن این عرصه به طور مطلق، رفتاری منفعلانه و غیرمنطقی و نوعی عقب‌نشینی است؛ بلکه بهترین روش حضور در این عرصه، فعالیت هدفمندانه و هوشمندانه و اثرگذار و آموزش‌دیده و حضور تهاجمی وسیع است.

از جمله روش‌های منطقی، جمع نمودن تبلیغات مسموم این جریان‌هاست. استوار نمودن باورها با آموزش‌دهی و معرفت‌افزایی به جوانان و عموم مردم و ایجاد خودایمنی و خوددفاعی، نتایج بیشتر و سودمندتری در پی دارد تا مراقبت‌هایی که به ضعف منجر شده، سیستم ایمنی را کاهش می‌دهد. ایجاد اطمینان به مردم در استفاده از رسانه‌های داخلی نیز راهکاری فراتر از فیلترینگ و سانسور می‌باشد. ■